

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

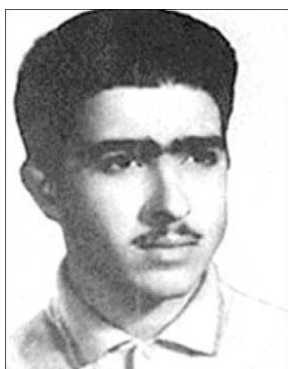
afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

شبا هنگ راد
۲۹ جون ۲۰۲۱

حمید اشرف الگوی شجاعت و وقار کمونیستی



هشتم تیرماه [سرطان] [هزار و چهارصد]، چهل و پنجمین سالگرد جانباختن حمید اشرف و دیگر یارانش است. رفقای که در گوران سخت و دشواری‌های مبارزاتی، نظام شاهنشاهی را به نبرد فراخواندند تا از آرمان کارگران و زحمتکشان حراست کنند. بی‌گمان نظام پیشین به مانند تمامی نظام‌های سرمایه‌داری، هزینه بس کلانی بر شانه جنبش کمونیستی ایران گذاشته است؛ هزاران جوان را به جرم آزادی‌خواهی و دفاع از مطالبات کارگری و توده‌ای دستگیر، شکنجه و اعدام کرده است تا "جزیره ثبات و آرامش" امپریالیستی در هم نریزد. بی‌خبر از آن که نظام اختناق و سرکوب ابدی نیست و بی‌خبر از آن که مولد شجاعت و وقار پیشروان انقلاب است؛ دو مقوله مهمی که تنیده با افکار بنیان‌گذاران سازمان پُرافتخار چریک‌های فدائی خلق، جانباختگان هشتم تیرماه و دیگر کمونیست‌های مدافع راه رهائی از قید و بند ستم امپریالیستی‌ست.

اضافه‌تر این که پیش‌رفت جنبش کمونیستی و انجام انقلاب بدون ارتباط دائم و تنگاتنگ با این دو مقوله، ناممکن است. ناگفته نماند اگرچه راه سازمان حمید اشرف، در پستوی سیاست‌های تسلیم و مماشات‌طلبانه به اصطلاح پیروانش از حرکت باز ایستاده است، ولی به نوبه خود حاوی اثرات و دست‌آوردهای مثبت و مهمی‌ست که گذشت زمان نه تنها از بار و از عیار آن‌ها نکاسته است بلکه حقانیت آن را - و آن هم - به عنوان عالی‌ترین شکل از مبارزه آشکار کرده است. در هر صورت و علی‌رغم چنین نقصان طولانی در درون جامعه، می‌شود گفت که در تقویم جنبش کمونیستی ایران، پُر از روزها و نبردهای جسارت‌آمیز، پُر از متانت و نقش‌آفرینی کمونیست‌های عمل‌گرا در میدانی طبقاتی‌ست که بی‌گمان یکی از این روزها و نبردها، مختص به هشتم تیرماه [سرطان] هزار و سیصد و پنجاه و پنج است. در این روز حمید اشرف به همراه محمدرضا بثرابی، محمّدحسین حق‌نواز، محمّد مهدی فوقانی، عسکر حسینی‌ابره، یوسف قانع خشک‌بیجاری، طاهره خرم، غلامرضا لایق‌مهربانی، علی‌اکبر وزیری اسفرجانی، فاطمه حسینی و غلام‌علی خراطپور و آن‌هم در نبردی چندان‌ساعته و سهمگین با اهریمنان رژیم شاهنشاهی جنگیدند و سرآخر جان خود را وثیقه انقلاب کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های رنج‌دیده نمودند.

به‌طور قطع در وصف این‌روز، به شجاعتِ کمونیستی حمید اشرف در سازمان‌دادنِ سازمانِ پُرافتخار چریک‌های فدائی خلق [و آن‌هم بعد از ضربهٔ رزمندگان سیاه‌کل در سال هزاریوسی‌صد و چهل و نه] و نیز در وصفِ بُرداری و وقار وی در تقابل با عناصر و تجمعات کمونیستی بسیار گفته و نوشته شده است. اما آن‌چه در سال‌گرد حمید اشرف و دیگر یارانش یادآوری آن از اهمیتِ بالائی برخوردار می‌باشد، نه صرفاً بازگوئی از رفتار و کردار پیشروان انقلاب، بلکه خوانشِ دُرستِ نظامِ سرپا جنایتِ شاهنشاهی و آن‌هم به‌عنوان نظامِ متعلق به بالائی‌هاست. در این‌بین چند موضوع روشن شده است و آن این‌که، مدافعان رژیمِ پیشین و خلافِ ادعاهای‌شان مبنی بر محترم شمردن به حق و حقوق توده‌ها و برقراری دموکراسی در درون جامعه، تا چه اندازه بی‌مقدار و مهم‌تر این‌که تا چه اندازه فاقد کمترین ارزشِ سیاسی‌ست؛ روشن شده است که سران و حامیان نظامِ پیشین به مانند حامیان و سران نظامِ فعلی، از آبخور و خندقِ واحدی تغذیه می‌شوند و متعهد به اجرای سیاست‌های امپریالیستی‌اند؛ روشن شده است که نظامِ شاهنشاهی با دستگاه‌های عریض‌والطویل و سازمانِ مخوفش (ساواک)، آن‌چنان جنایاتی در حق فرزندان به پاخاسته کارگران و زحمت‌کشان مرتکب شده است که بخش زیادی از آن‌ها همچنان در صندوقچهٔ نظام‌های سرمایه‌داری محبوس مانده است؛ نیز روشن شده است که حکومت‌مداران پیشین، دهه‌ها سرمایه‌های مملکت را بالا کشیدند و زندان‌ها را پُر از کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان کردند تا مناسبات جامعه بر اساس خواسته‌ها و امیالِ امپریالیست‌ها به پیش رود. خلاصه جدا از زنده نگه‌داشتن حافظهٔ تاریخی پیرامون اعمال جنایت‌بار ساواک و دیگر ارگان‌های سرکوب‌گر نظامِ شاهنشاهی، روز هشتم تیرماه [سرطان] پنجاه‌وپنج را می‌شود از پنجره‌های متفاوت و دیگری گُشود و نشان داد که هم برگشت به دوران نظامِ پادشاهی و نظایر این‌ها [که این‌روزها در دستور کار حامیان و هواداران نظامِ پیشین قرار گرفته است] امری محال و غیرممکن، و هم "منتقدان" فعلی رفتار و کردار حمید اشرف و "تاریخ‌نویسان" سازمان، خالی از جوهرهٔ تعرضِ کمونیستی‌اند.

در اشاره به مبحثِ اوّل، دُرست است که سرمدمداران رژیمِ جمهوری اسلامی در ابعادی بسیار دهشتناک کمونیست‌ها، مبارزان، مخالفان و دیگر توده‌های محروم را از دم تیغ گذرانده‌اند؛ دُرست است که میزانِ اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده‌ئی فضای جامعهٔ ایران را احاطه کرده است؛ نیز دُرست است که ثروت‌های جامعه در ابعادی بی‌سابقه به تاراج رفته است، اما دُرست نیست [و در حقیقت نابجاست] تا ماهیتِ نظامِ شاهنشاهی را از ماهیتِ نظامِ جمهوری اسلامی جداگانه خواند. زیرا که نظامِ کنونی و از زمانِ برسرکارگماری‌اش در مسند قدرت، در پی همان سیاست و اعمالِ سرکوب‌گرانه‌ای‌ست که نظامِ شاهنشاهی در پیش گرفته بود. برآستی هر دو نظام در تضمین و در تأمینِ منافع طبقهٔ سرمایه‌داری وابسته، و نیز در غارتِ ثروت‌های جامعه کمترین کوتاهی نکرده‌اند. پس طرحِ گفتاری دفاع از حقوقِ کمونیست‌ها، مخالفان و همچنین حراست از ثروت‌های طبیعی جامعه [که این‌روزها بخش کوچکی از فضای اپوزیسیون خارج از کشوری را به خود اختصاص داده است]، تا چه اندازه بی‌اساس، گمراه کنندهٔ نسل جوان امروزی و به خصوص همراهی در بردوایی حاکمیتِ امپریالیستی در درون جامعه است.

به دیگر سخن مردمِ دُرست و بحق در ابعادی همه‌گانی در برابر رژیمِ گذشته به صف شدند؛ دُرست خواهند نابودی و اضمحلالِ نظامِ شاهنشاهی بودند. در حقیقت دلیلِ بی‌سرانجامی مبارزات کارگران و زحمت‌کشان به پارامترهای دیگری مربوط است که به اشکالِ متفاوت از جانبِ هواداران صدیقِ توده‌های محروم گفته و آمده است؛ متعاقباً اعتراضات وسیعِ توده‌ئی سال‌های پنجاه‌وپنج و شش، به بار ننشسته است به این علت که سازمانِ پُرقدرتِ چریک‌های فدائی خلق توسطِ عناصرِ خائنی همچون «فرخ نگهدار» غضب و به‌موازات آن ادامه‌دهندگانِ راهِ حمید اشرف و دیگر یارانش، از مسیر اصلی، از نظر و از عملِ بُنیان‌گذاران سازمان فاصله گرفته‌اند. صدمات، ایرادات و پارامترهای سیاسی مخربی

که ثمره آن‌ها را می‌شود در پهنه ایران، در کرختی جنبش کمونیستی و همچنین در به وخامت کشانده شدن هرچه بیشتر زندگی توده‌های ستمدیده مشاهده کرد.

در مبحث بعدی و اشاره به این موضوع بی‌ربط نیست که فقدان نظر و عمل درخور حمید اشرف در برابر نظام فعلی باعث شده است تا هم هزینه‌های جنبش‌های کارگری و توده‌ای افزون‌تر و هم طول عمر سران حکومت طولانی‌تر گردد. به‌هرحال این‌روزها کمتر کسی را [و به خصوص در گفتار] می‌توان سراغ داشت که مخالف تحولات کمونیستی، کمونیست‌های اواخر و اوائل دههٔ چهل و پنجاه است؛ همه این‌روزها [و از جمله "سازمان نظامی" به اصطلاح مدافع راه سپاهک و نیز "احزاب کمونیستی" خارج از کشوری] در حسرت عروج و عکس‌العمل سازمان منسجم کمونیستی در برابر تحولات ضد انقلابی و سرکوب‌گرانه نظام جمهوری اسلامی‌اند. متأسفانه اوضاع غم‌انگیزی که منجر به آن شد هر عنصر بی‌مایه و عمدهٔ سیاسی به مانند «فرخ نگهدار» و دیگر حامیان نظام گذشته و آن‌هم با چهرهٔ روتوش شده به میدان آیند و درباب "مزایا" و "معایب" آن‌ها، ذهن‌ها را مغشوش کنند؛ عناصر بی‌مایه و بی‌عملی که فاقد کمترین تشابه طبقاتی با توده‌های محروم و نیز فاقد کمترین پتانسیل سیاسی و پرنسبیتی با حمید اشرف و دیگر یارانش هستند.

تردیدی نیست که هر دو دسته در خدمت به سیاست‌های بالائی‌ها هستند و وجود لحظه‌ئی‌شان برابر با بطلان جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ای، تحریف جنبش کمونیستی و به ویژه انحراف افکار نسل جوان امروزی از کارکرد نسل پیشین و کمونیست‌هائی همچون حمید اشرف است. اما علی‌رغم تمامی تقلدها، نه ماهیت نظام پیشین قابل تحریف است و نه اعمال حمید اشرف و دیگر یارانش را می‌شود روتوش شده به جامعه و به نسل جوان امروزی منتقل کرد. خلاصه و خلاف حامیان سرمایه، یاهوگویان، تسلیم‌طلبان و "منتقدان" بی‌مایه و میراث‌خواران سازمان پُرافتخار چریک‌های فدائی خلق، نام حمید اشرف و دیگر یارانش به این علت بر بلندی‌های جامعه کنده‌کاری شده است که متعهد به رهایی جنبش‌های کارگری و توده‌ای از زیر سلطهٔ نظام امپریالیستی و نیز متعهد به قهر انقلابی در برابر قهر ضد انقلابی بودند.

نظام کنونی بیش از چهار دهه به سرکوب بی‌رحمانهٔ کارگران، زحمت‌کشان، زنان، جوانان و دیگر توده‌های محروم پرداخته است، زیرا که جامعه از عمل کمونیستی و مسلحانهٔ مطابق با افکار حمید اشرف دور شده است؛ سران رژیم جمهوری اسلامی ماندگار شده‌اند، زیرا که جامعه فاقد سازمان متناسب با قانون‌مندی حاکم بر آن است. در حقیقت ترس و دغدغهٔ حکومت فعلی همچون حکومت گذشته، از عروج سازمان مسلح و تحول‌گراست. بیم سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از بالآمدن کمونیست‌ها و مبارزان آشتی‌ناپذیری همچون حمید اشرف است که با کمترین امکانات سازمانی، ولی لبریز از شور و شعور طبقاتی، ارگان‌های سرکوب و حافظان بقای امپریالیستی را به مصاف طلبیدند. با این اوصاف و جدا از همسانی ماهیت رژیم پیشین با رژیم کنونی، و نیز جدا از تفاوت فاحش دو کارکرد کمونیستی، جنبش‌های کارگری و توده‌ای نیازمند برآمدن کمونیست‌های جسور و متعهد به راه‌اندازی انقلاب علیه ضد انقلاب حاکم، نیز نیازمند وقار کمونیست‌هائی همچون حمید اشرف در برابر مخالفان درونی‌ست؛ دو مقوله‌ای که متأسفانه کمبود آن‌ها، هم در درون و هم در میان عناصر و تجمعات بیرون از جامعه، چشم‌گیر است.

۲۸ جون ۱۴۰۱ [سرطان] ۷/۲۰۲۱ تیر